



پنج شنبه 24 تیر 1395 - 8 شوال 1437 - 14 جولای 2016

مهاجرت علما و مردم تهران به قم و آغاز هجرت کبری در جریان نهضت مشروطه...

* 24 تیر در گذر تاریخ

* مهاجرت علما و مردم تهران به قم و آغاز هجرت کبری در جریان نهضت مشروطه (1285 ش) اشاره:

در ادامه نهضت مشروطه، پس از آن که خواسته‌های علما و مردم در مورد تأسیس عدالت خانه و اجرای قوانین اسلام و... عملی نشد، علما تصمیم گرفتند که به قم مهاجرت نموده و در حرم حضرت معصومه (س) تحصن کنند. در نهایت در 24 تیر 1285 ش برابر با 23 جمادی الاول 1324، حضرات آیات سید محمد طباطبایی و

سید عبدالله بهبهانی در رأس یک گروه هزار نفری به سوی قم حرکت کردند و مهاجرت کبری را شروع نمودند. همچنین شیخ فضل‌الله نوری، سه روز بعد با فراهم آوردن جمعیت بسیار زیاد، از تهران به قم هجرت نمود. این مهاجرت، موجی از یک قیام در سراسر کشور ایجاد کرد و علمای بزرگ زمان از قبیل آقاجانی اصفهانی و آخوند ملاقرابانعلی زنجان از روحانیون مشهور و متنفذ اصفهان و زنجان، به این تحصن پیوسته و روحانیون سایر شهرها با تلگراف‌های متعدد، در انجام خواسته متحصنین قم پافشاری نمودند. در جایی که نهضت در اوج پیروزی قرار داشت و مظفرالدین شاه قاجار هم خواسته رهبران نهضت را پذیرفته بود، به واسطه دست‌های مرموزی که در جریان بود، اولین انحراف نهضت آشکار شد و عده‌ای از مردم، ناآگاهانه به سفارت انگلیس پناهنده شدند و در حیات سفارت تحصن کردند. تحصن بیش از

بیست هزار نفر از مردم در سفارت انگلستان، هرچند در ظاهر به بهانه حفظ جان مردم صورت می‌گرفت ولی در واقع نوعی تعدی از احکام اسلامی بود که استعمار پیر به دنبال آن بود. این انحراف بعدها تا آنجا کشیده شد که شیخ فضل‌الله را که خود، از رهبران مشروطه به شمار می‌رفت، به دلیل مخالفت با مشروطه غیرمشروعه، به جوخه دار سپردند. سرانجام بر اثر فشار متحصنین،

مظفرالدین شاه تمامی خواسته‌های آنان را پذیرفت و در 14 مرداد 1285 ش، طی فرمانی، ضمن عزل عین‌الدوله، صدر اعظم مستبد خود، دستور برگزاری انتخابات و تشکیل مجلس شورا را صادر کرد. در نهایت علماء و مردم متحصن در قم، ده روز بعد از امضای فرمان مشروطه، با احترام به تهران بازگشتند.

* ترور روحانی مجاهد

آیت الله «سیدعبدالله بهبهانی» یکی از سران اصلی مشروطیت (1289 ش) اشاره:

آیت الله سیدعبدالله بهبهانی در اوائل قرن سیزدهم هجری شمسی در شهر نجف اشرف به دنیا آمد و تحت توجّهات پدر فاضل و مجاهدش، سید اسماعیل مجتهد بهبهانی، تحصیل علوم دینی را آغاز کرد. آقا سیدعبدالله، به زودی در حلقه درس عالم و فقیه بزرگ شیعه، حاج میرزا محمدحسن شیرازی معروف به میرزای بزرگ جای گرفت و به سرعت مدارج عالی علمی را پیمود. آیت الله بهبهانی قبل از انقلاب مشروطیت نیز از روحانیان و علمای مشهور ایران به شمار می‌رفت و در امور سیاسی دخالت داشت. وی با آغاز نهضت مشروطه، به صف مبارزان پیوست و با یاری و همکاری آیت الله سیدمحمد طباطبایی، رهبری مشروطه‌خواهان را به عهده گرفت.

آیت الله بهبهانی در رهبری نهضت مشروطه، نقش بسزائی داشت و در این راه، زحمات فراوانی را متحمل شد. وی پس از به توپ بستن مجلس و پس از ضرب و شتم و اهانت به ایشان، به دستور محمدعلی شاه قاجار به کرمانشاه تبعید شد و پس از چند ماه راهی عتبات گردید. آیت الله بهبهانی پس از فتح تهران توسط مشروطه‌طلبان، به پایتخت بازگشت و از آن پس نفوذ فوق‌العاده‌ای در مجلس پیدا کرد. میانه‌روها که اکثریت مجلس دوم را تشکیل می‌دادند از بهبهانی پیروی می‌کردند که این امر خشم تندروان را برانگیخت و تصمیم به قتل آیت‌الله بهبهانی گرفتند. سرانجام با نقشه تندروها، در 24 تیرماه 1289 ش برابر با نهم رجب 1328 ق، مزدوران به خانه این روحانی مجاهد رفته و با شلیک سه گلوله، وی را به شهادت رساندند. پس از شهادت ایشان، مجلس شورای ملی و بازار تهران تعطیل و عزای عمومی اعلام شد. بعدها پیکر آیت الله بهبهانی به شهر نجف منتقل و مدفون گردید. گویند ترور این عالم مجاهد به تحریک «سیدحسن تقی‌زاده» بوده است.

* رحلت حکیم و زاهد متاله

آیت الله «سید موسی زراآبادی قزوینی» (1313 ش) اشاره:

آیت‌الله سیدموسی زراآبادی در حدود سال 1256 ش (1294 ق) در قزوین به دنیا آمد. ایشان در قزوین و تهران از محضر

حضرات آیات: میرزا ابوالحسن جلوه، میرزا حسن کرمانشاهی، شیخ فضل‌الله نوری و... استفاده کرده و در علوم عقلی و نقلی به استادی رسید. سید موسی در علوم غریبه یکی از استادان مسلم و متبحر بوده است و در مراحل تقوی و تهذیب نفس و سلوک شرعی نیز از نخبگان عصر خود بود، لیکن استادان و مربیان او در این زمینه‌ها شناخته شده نیست. آیت‌الله زربادی به همراه میرزا مهدی اصفهانی و شیخ مجتبی قزوینی خراسانی، سه رکن عمده مکتب تفکیک را در سده چهاردهم هجری تشکیل می‌دهند. بر اساس این مکتب که ایشان از بزرگان آن است، ناب سازی و خالص ماندن شناخت‌های قرآنی و فهمیدن این شناخت‌ها و معارف به دور از تأویل و مخلوط شدن با افکار و نیز بر کنار از تفسیر به رأی از اهداف آن به شمار می‌رود. آیت‌الله زربادی سالیان متمادی به تدریس پرداخت و شاگردان فرهیخته‌ای پرورش داد که دانشمندان نام‌آوری همچون شیخ مجتبی قزوینی، شیخ علی‌اکبر الیهیان تنکابنی، شیخ علی‌اصغر شکرناهی و سید ابوالحسن حافظیان مشهدی و شیخ هاشم قزوینی خراسانی و... در محضر او به درجات بالای علمی دست یافتند. همچنین حاشیه برمنظومه سبزواری و حاشیه بر شرح اشارات از جمله تألیفات ایشان است. آیت‌الله زربادی سرانجام در بیست و چهارم تیر ماه 1313 ش برابر با دوم ربیع‌الثانی 1353 ق در 59 سالگی به سرای باقی شتافت و در صحن امامزاده حسین قزوین به خاک سپرده شد.

* تولد حضرت آیت الله

«سید علی حسینی خامنه ای» رهبر معظم انقلاب اسلامی در مشهد مقدس 24 تیر (1318 ش) اشاره:

زندگینامه رهبر عالیقدر حضرت آیت الله سید علی خامنه ای فرزند مرحوم حجت الاسلام والمسلمین حاج سید جواد حسینی خامنه‌ای، در 1318 شمسی برابر 1358 قمری در مشهد مقدس چشم به دنیا گشود. ایشان دومین پسر خانواده هستند. زندگی سید جواد خامنه ای مانند بیشتر روحانیون و مدرسان علوم دینی، بسیار ساده بود. همسر و فرزندانش نیز معنای عمیق قناعت و ساده زیستی را از او یاد گرفته بودند و با آن خو داشتند. آیت الله خامنه ای که از هیجده سالگی در مشهد درس خارج فقه و اصول را نزد مرجع بزرگ مرحوم آیت الله العظمی میلانی شروع کرده بودند. در سال 1336 به قصد زیارت عتبات عالیات، عازم نجف اشرف شدند و با مشاهده و شرکت در درس‌های خارج مجتهدان بزرگ حوزه نجف از جمله مرحوم سید محسن حکیم، سید محمود شاهرودی، میرزا باقر زنجانی، سید یحیی یزدی، و میرزا حسن بجنوردی، اوضاع درس و تدریس و تحقیق آن حوزه علمی را پسندیدند و ایشان را از قصد خود آگاه ساختند. ولی پدر موافقت نکرد. پس از مدتی ایشان به مشهد باز گشتند. آیت الله خامنه ای از سال 1337 تا 1343 در حوزه علمیه قم به تحصیلات عالی در فقه و اصول و فلسفه، مشغول شدند و از محضر بزرگان چون مرحوم آیت الله العظمی بروجردی، امام خمینی، شیخ مرتضی حائری یزدی و علامه طباطبائی استفاده کردند. در سال 1343، از مکاتباتی که رهبر انقلاب با پدرشان داشتند، متوجه شدند که یک چشم پدر به علت «آب مروارید» نابینا شده است، بسیار غمگین شدند و بین ماندن در قم و ادامه تحصیل در حوزه عظیم آن و رفتن به مشهد و مواظبت از پدر در تردید ماندند. آیت الله خامنه ای به گفته خویش

«از شاگردان فقهی، اصولی، سیاسی و انقلابی امام خمینی (ره) هستند» اما نخستین جرقه‌های سیاسی و مبارزاتی و دشمنی با طاغوت را مجاهد بزرگ و شهید راه اسلام شهید «سید مجتبی نواب صفوی» در ذهن ایشان زده است، هنگامیکه نواب صفوی با عده ای از فدائیان اسلام در سال 31 به مشهد رفته در مدرسه سلیمان خان، سخنرانی پر هیجان و بیدار کننده ای در موضوع احیای اسلام و حاکمیت احکام الهی، و فریب و نیرنگ شاه و انگلیسی و دروغگوئی آنان به ملت ایران، ایراد کردند. آیت الله خامنه ای آن روز از طلاب جوان مدرسه سلیمان خان بودند، به شدت تحت تأثیر سخنان آتشین نواب واقع شدند. ایشان می گویند: «همان وقت جرقه‌های انگیزش انقلاب اسلامی به وسیله نواب صفوی در من به وجود آمده و هیچ شکی ندارم که اولین آتش را مرحوم نواب در دل ما روشن کرد». آیت الله خامنه ای پس از پیروزی انقلاب اسلامی نیز همچنان پرشور و پرتلاش به فعالیت‌های ارزشمند اسلامی و در جهت نزدیکتر شدن به اهداف انقلاب اسلامی پرداختند که همه در نوع خود و در زمان خود بی نظیر و بسیار مهم بودند

* شهادت شاعر و عالم متعهد علامه «سیداسماعیل بلخی» توسط ایادی رژیم افغانستان (1347ش) اشاره:

علامه سیداسماعیل بلخی در سال 1295 ش (1336ق) در قریه بلخاب از توابع بلخ در شمال افغانستان به دنیا آمد. وی از سنین کودکی به تحصیل علوم دینی پرداخت و برای این منظور به ایران و عراق سفر کرد. او در قیام خونین مسجد گوهرشاد مشهد در تیرماه 1314 حضور داشت و آن روزگار شوم و خونین ملت ایران را درک کرد و خود سهم عمده‌ای در قیام داشت. در همین زمان بود که به همراه پدر، درس و بحث را رها نمود و راهی هرات گردید. سید اسماعیل در راه مبارزه با استبداد، آرام و قرار

نداشت و مردم مسلمان افغانستان را به مبارزه با حکومت‌های فاسد افغانستان تشویق می‌کرد. از این رو پس از بازگشت به هرات،

علیه بیداد و استبداد وقت افغانستان شورید و با ایجاد اولین هسته مقاومت و تشکیل «مجمع اسلام»، با حکومت جور در افتاد. سید اسماعیل با سخنرانی‌ها و خطابه‌های آتشین خود در هرات، دولت سلطنتی افغانستان را رسوا می‌کرد و زنگ بیداری و آزادی‌خواهی را در هر کوی و برزن برای مردم مظلوم افغانستان می‌نواخت. او که در طول دوران مبارزه، بر وحدت بین مسلمانان تأکید داشت، همیشه از طرف دولت حاکم مورد اذیت و آزار قرار می‌گرفت و نزدیک به پانزده سال از عمر خود را در زندان‌های ستم‌شاهی افغانستان گذراند.

سید اسماعیل بلخی پس از آزادی از زندان، در سال 1346 ش راهی نجف اشرف گردید و با بزرگانی همچون حضرات آیات سید محسن حکیم، سید ابوالقاسم خوئی و علامه امینی و به ویژه حضرت امام خمینی دیدار و گفتگو نمود. وی در بازگشت به افغانستان از ایران عبور کرد و مورد استقبال حوزه‌های علمیه قرار گرفت. وی پس از ورود به افغانستان، به مبارزات خود ادامه داد اما این فعالیت‌های ضد حکومت جور، بر حکام ستم پیشه افغانستان گران آمد لذا در صدد از میان برداشتن این مجاهد فی سبیل‌الله برآمدند. در نهایت این عالم مسلمان و مبارز در 24 تیرماه 1347 ش برابر با 18 ربیع‌الثانی 1388 ق در سن 52 سالگی از طریق تزریق مواد زهرآلود به دستور ظاهرشاه، پادشاه افغانستان در کابل به شهادت رسید.

* دکتر هوشنگ نهاوندی به جای دکتر علینقی عالیخانی به ریاست دانشگاه تهران برگزیده شد (1350 ش)

* وزارت امور خارجه کلیه گذرنامه های دانشجویی را لغو کرد تا تدریجاً به جای آن گذرنامه عادی بدهد (1352 ش)

* رحلت آیت الله «سید محمد حسن آل طیب جزایری» عالم بزرگ خوزستان (1373 ش)

اشاره:

آیت‌الله سید محمد حسن آل طیب جزایری در سال 1291 ش (1330 ق) در شهرستان شوشتر در استان خوزستان و در بیت علم و تقوا و فضیلت دیده به جهان گشود. وی پس از طی مقدمات و سطوح نزد پدر عالم خود و دیگر استادان شهر، در 23 سالگی به حوزه علمیه قم رفت و در محضر آیات عظام: حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی،

سید محمد حجت کوه کمره‌ای و سید احمد خوانساری زانوی ادب به زمین زد و از دانش سرشار آنان در فقه و اصول توشه‌ها گرفت. ایشان سپس به قصد شرکت در درس فیلسوف بزرگ زمان، آیت‌الله علامه میرزامهدی آشتیانی و فراگیری فلسفه و کلام، راهی تهران شد و مدت‌ها در درس ایشان شرکت جست. آیت‌الله آل طیب پس از آن به شوشتر بازگشت و ریاست حوزه علمیه آنجا را برعهده گرفت و طی سال‌های متمادی به تدریس و تربیت طلاب علوم دینی، وعظ و ارشاد، امامت جماعت، تالیف و تصنیف و مبارزه با فساد و امر به معروف و نهی از منکر پرداخت. این فقیه فرزانه از حضرات آیات: حائری یزدی، سید ابوالحسن اصفهانی،

آقا ضیاءالدین عراقی، شیخ محمدکاظم شیرازی، سید محمدهادی میلانی و

شیخ آقابزرگ تهرانی دارای اجازات متعدد اجتهاد و روایت بود و در علوم عقلی و نقلی چون فقه، اصول، حدیث، نجوم، حساب و ریاضیات و ادبیات عرب، مهارت فراوان داشت. از ایشان آثاری برجای مانده که منظومه در حکمت، تحریر عروة الوثقی و الریاض المرضیه از آن جمله است.

آیت‌الله آل طیب جزایری سرانجام پس از کسالتی طولانی، در شب 25 تیرماه 1373 ش برابر با 6 صفر 1415 ق در 82 سالگی چشم از جهان فروبست و پس از تشییعی با شکوه به خاک سپرده شد.

* 28 رمضان در گذر تاریخ

* درگذشت «ابو معشر بلخی» محدث و منجم (272 ق)

اشاره:

ابومعشر جعفر بن محمد بن عمر بلخی، حکیم و منجم، در ابتدا در بغداد از محدثین بزرگ بود و با فلسفه و حکمت و علوم عقلی مخالفت می‌کرد ولی بعدها به این علوم متمایل گردید و به مدارج بالایی در آن‌ها دست یافت. ابومعشر در اثر همت عالی و تلاش خستگی‌ناپذیر خود، در تمامی شعب حکمت، خصوصاً ریاضیات، نجوم و هیئت دارای بصیرتی فوق العاده بود و استاد کل و سرآمد اهل فن به شمار می‌رفت. ابومعشر تألیفات متعددی در نجوم و ریاضی دارد از قبیل: اثبات علم النجوم، زیج الهزارات، المدخل الکبیر و... . ابومعشر مشهورترین منجم مسلمان بود و اشتها او تا قرن‌ها بعد نیز همچنان حفظ شد. بر اساس دیدگاه ابومعشر، همه‌ی معارف، منشأ الهی دارد و علم نجوم نیز از این قاعده مستثنی نیست. آثار ابومعشر از لحاظ در برداشتن بخش‌هایی از نوشته‌های کهن که اصل آن‌ها از بین رفته، قابل توجه است.

* وفات سید محمد شیرازی؛ سلطان الواعظین (1391 ق)

اشاره:

وی فرزند ارجمند حاج سیدعلی اکبر (اشرف الواعظین) معروف به اکبرشاه می باشد که در ماه ذی القعدة الحرام سال ۱۳۱۴ق در تهران متولد شده و در حجر والد ماجد تربیت کامل یافته و مقدمات اولیه را در مدرسه پامنار تهران خوانده و در سال ۱۳۲۶ق با والد مبرورش مشرف به عتبات عالیات شده و طی مدت دو سال در کربلا توقف و تحصیلات سطوح متوسطه را در نزد مرحوم فاضل مرنندی و شهرستانی خاتمه داده است.

سیدمحمد شیرازی در خدمت پدر به کرمانشاه مراجعت و به وظائف تبلیغاتی از طریق منبر مشغول گردیده و برای تکمیل علم و کمال و انجام وظائف و افاضه و استفاضه مسافرت های بسیاری به بلاد اسلامی عراق و سوریه و فلسطین و اردن و مصر و هندوستان نموده و با طوائف بسیاری از یهود و نصاری و هنود و منحرفین از دین از قبیل بهائی ها و قادیانی ها مناظرات دینی و مذهبی نموده که مهم ترین آن ها دو مناظره بزرگ وی در ۱۳۴۵ق است، یکی با برهمنیان در حضور قائد بزرگ هند گاندی در دهلی، و دیگری با دو عالم بزرگ سنت و جماعت حافظ محمد رسید و شیخ عبدالسلام در مدت ده شب و هر شب هشت ساعت، در شهر پیشاور پنجاب.

جریان مناظره های سلطان الواعظین در تمام جراید آن زمان هند درج گردید. از آثار سیدمحمد شیرازی؛ «شب های پیشاور» در یک هزار و پنجاه صفحه (حاوی گزارش مجلس مناظره اش در پیشاور)؛ «صد مقاله سلطانی»؛ «ردیه بر یهود و نصارا»؛ «گروه رستگاران یا فرقه ناجیه» (در دو مجلد) را می توان نام برد.

سلطان الواعظین در ۲۸ رمضان المبارک سال ۱۳۹۱ هجری قمری در تهران وفات نموده و جنازه اش با تجلیل فراوان به شهر مقدس قم و با تشییع آبرومندی که از طرف آیت الله العظمی مرعشی نجفی (رحمة الله علیه) از آن واعظ شهیر به عمل آمد در مقبره ابوحسین مدفون گردید. زمان درگذشت سلطان الواعظین بنا به روایتی دیگر، بیستم شعبان المعظم ۱۳۹۱ق اعلام گردیده است. نقل است که پس از فوت سلطان الواعظین؛ حجت الاسلام والمسلمین حائری تهرانی، مرحوم ثقة الاسلام حاج سیدجواد سدهی را که از منبری های برجسته تهران بوده در خواب می بیند که در باغ بسیار بزرگی با وضع بسیار خوشی است، می پرسد: آقای سدهی چطوری؟ می گوید: بسیار خوبم و از وقتی که آقای سلطان الواعظین آمده است به هرکدام از ما یک درجه داده اند.

* درگذشت مالک دیلمی ، خوشنویس (۹۴۱ق)

اشاره:

مولانا مالک دیلمی (۹۲۴-۹۶۹ ه.ق/ ۱۵۱۸-۱۵۶۲ م) از کاتبان و خوشنویسان اهل فیلواگوش قزوین در قرن دهم هجری است. او از خوشنویسان و نستعلیق نویسان زبردست به شمار می آید که خطوط جلی و خفی (درشت و ریز) را با مهارت و به درستی می نوشت. کتیبه های عمارت چهل ستون از آثار اوست.